

ایران پشت دروازه‌های واشنگتن

روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



ایران پشت دروازه‌های واشنگتن

روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین

خلاصه

قدرت گرفتن حکومت‌های چپ‌گرا و ضدامپریالیسم آمریکا، که در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران نیز قرار داشت، روابط ایران با آمریکای لاتین را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد. مبارزه با آمریکا، که شعار اصلی بسیاری از رهبران نوظهور آمریکای لاتین بود، فرصتی بود که هیچ کشوری به اندازه‌ی جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانست از آن بهره‌برداری کند. آمریکا از نفوذ ایران در آمریکای لاتین مکرراً ابراز نگرانی نموده و به کشورهای این منطقه درباره‌ی تحکیم روابط با ایران هشدار داده است.

استعداد آمریکای لاتین در دگرگون ساختن نظام بین‌المللی، ایجاد جهانی چندقطبی و تحدید هژمونی آمریکا کاملاً با اهداف ایران در این زمینه تطابق دارد و به هر دو طرف اجازه می‌دهد تا با هم‌گرایی در این زمینه، با قدرت بیشتری پیاده‌سازی اهداف فوق را دنبال نمایند. زیرساخت‌های ایجادشده توسط ایران در آمریکای لاتین، در وقت نیاز می‌توانند به تهران کمک نمایند تا به زعم اندیشکده‌ی اورشلیم، علیه ایالات متحده‌ی آمریکا یا منافع غرب در آمریکای لاتین، در سناریوهای مختلف به کار گرفته شوند.

توافق ایران و آرژانتین جهت ایجاد مکانیسمی مشترک برای رسیدگی به موارد اختلافی میان دو کشور، باعث گردید رژیم صهیونیستی بازنده‌ی بزرگ پرونده‌ی آمیا لقب گیرد.

سیاست خارجی ایران با اتخاذ راهکارهای مناسب و بهینه در سال‌های اخیر، توانسته است در اقصی نقاط جهان، نفوذ ایران را بگستراند. یکی از مناطق مهم برای آمریکا، که به صحنه‌ی نفوذ و نمایش قدرت ایران تبدیل شده، آمریکای لاتین است. برای تبیین هر چه بهتر این موضوع، در این گزارش تلاش داریم تا اولاً توصیفی از ابعاد حضور ایران در کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین ارائه کنیم و منافع ملی و اهداف استراتژیک کشور را در تعامل با این منطقه مورد بازشناسی قرار دهیم. ثانیاً تأثیرات این رابطه بر جایگاه ایالات متحده را مورد بررسی قرار دهیم. دست آخر نیز ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی منطقه‌ی آمریکای لاتین برای تداوم حضور ایران را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

گذری بر تاریخ روابط خارجی ایران و منطقه‌ی آمریکای لاتین

آمریکای لاتین منطقه‌ای مشتمل بر کشورهای حوزه‌های آمریکای مرکزی، آمریکای جنوبی و دریای کارائیب است. از مهم‌ترین کشورهای منطقه می‌توان به بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، آرژانتین، کوبا، اکوادور، ونزوئلا، اروگوئه، پرو، پاناما، نیکاراگوئه، مکزیک و... اشاره نمود. لذا بایستی توجه نمود که سخن از آمریکای لاتین، به معنای یک کلیت سیاسی اقتصادی یک پارچه یا یک بلوک تجاری هم‌گرا نیست، بلکه بیشتر از یک کلیت جغرافیایی با اجزایی مختلف است. به خصوص کشورهای این منطقه از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی، در درجات بسیار متفاوتی به سر می‌برند که طبعاً به هر یک از آن‌ها، در سطح نظام بین‌المللی، نقش و اهمیت متفاوتی می‌بخشد.

روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین از سال ۱۹۰۲ آغاز شد. در این سال، اسحاق خان مفخم‌الدوله، وزیر مختار ایران در واشنگتن، به آمریکای جنوبی اعزام شد و عهدنامه‌های مودت و بازرگانی با کشورهای مکزیک، برزیل، آرژانتین، اروگوئه و شیلی به امضا رسید. در زمان به قدرت رسیدن حکومت پهلوی، این روابط گسترش یافت و تا گشایش سفارت‌خانه‌های طرفین پیش رفت (مهدوی، ۱۳۷۵: ۳۱۴).

در دوران جنگ سرد، همکاری ایران و کشورهای حوزه‌ی آمریکای لاتین بیشتر به تحکیم مواضع در مقابل اتحاد جماهیر شوروی و کمونیست‌ستیزی معطوف شده بود. در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی و با بحرانی شدن روابط ایران و آمریکا، برخی کشورهای آمریکای لاتین نظیر مکزیک و شیلی، اقدام به قطع روابط با ایران نمودند و برخی دیگر به شکل غیرفعال به روابط با ایران ادامه دادند. با پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جهت برون‌رفت از انزوای سیاسی، گسترش روابط با کشورهای آمریکای لاتین در دستور کار قرار گرفت و سفارت‌خانه‌های ایران در کشورهای شیلی، اروگوئه، کوبا، نیکاراگوئه و کلمبیا افتتاح شدند و آغاز به کار کردند. با آغاز دوران سازندگی و با توجه به سیاست‌های عمل‌گرایانه‌ی رئیس‌جمهور هاشمی رفسنجانی، سیاست بهبود مناسبات با غرب و توسعه‌ی تجارت آزاد، در دستور کار قرار گرفت و لذا توجهی به آمریکای لاتین مبذول داشته نشد. در واقع حرکت در مسیر توسعه‌ی اقتصادی، با کاهش تأکید بر گسترش مناسبات با کشورهای در حال توسعه‌ی آمریکای لاتین همراه بود.

با روی کار آمدن سید محمد خاتمی و دولت هفتم جمهوری اسلامی، اقدام به گسترش روابط سیاسی با کشورهای حوزه‌ی آمریکای جنوبی، جدی‌تر از گذشته پیگیری شد. در این زمینه می‌توان به سفر ایشان به ونزوئلا و کوبا، سفر معاون اول دولت هفتم به کشورهای کلمبیا، ونزوئلا و کوبا و سفرهای هوگو چاوز و فیدل کاسترو و دیگر مقامات سیاسی این کشورها به ایران اشاره کرد (ضیایی، ۱۳۸۵). آغاز پروژه‌های اقتصادی مشترک با ونزوئلا برای تولید تراکتور، سیمان و کارخانه‌های خودروسازی، نشانه‌ای بر روابط سیاسی دو طرف بود.

قدرت گرفتن حکومت‌های چپ‌گرا و ضدامپریالیسم آمریکا، که در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران نیز قرار داشت، روابط ایران با آمریکای لاتین را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد. روی کار آمدن لولا در برزیل، واسکز در اروگوئه، کرشنر در آرژانتین، مورالس در بولیوی، کورئا در اکوادور و اورتگا در نیکاراگوئه و از همه مهم‌تر، تحکیم و بسط قدرت چاوز به عنوان مرکز ایده‌ی هم‌گرایی منطقه‌ای

انقلاب بولیواری، همگی از هویت جدید و مستقلی از قدرتهای آمریکایی حکایت می‌کرد. مبارزه با آمریکا که شعار اصلی بسیاری از رهبران نوظهور آمریکای لاتین بود، فرصتی بود که هیچ کشوری به اندازه‌ی جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانست از آن بهره‌برداری کند. به ویژه اینکه در ایران نیز دولت اصول‌گرای دکتر احمدی‌نژاد بر سر کار آمد. پس از پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۵، جمهوری اسلامی ایران با عزمی راسخ تصمیم گرفت تا در میان کشورهای آمریکایی لاتین (در واقع همان حیاط خلوت آمریکا)، پایگاهی برای خود به دست آورد. متحدان اصلی ایران در پیشبرد این سیاست، رؤسای جمهور ونزوئلا، اکوادور و بولیوی بودند که مرکز اورشلیم در گزارشی، از آن به مثابه‌ی سکوی پرتابی برای ایران یاد می‌کند (Segall, ۲۰۱۱). پس از آن است که آمریکا از نفوذ ایران در این منطقه مکرراً ابراز نگرانی نموده و به کشورهای این منطقه درباره‌ی تحکیم روابط با ایران هشدار داده است.

اهداف و منافع ملی ایران در گسترش روابط با آمریکای لاتین

سیاست خارجی را باید مجموعه‌ای از اهداف، جهت‌گیری‌ها، روش‌ها و ابزارهایی در نظر گرفت که یک حکومت در مقابل سایر واحدهای سیاسی بین‌المللی، به منظور دستیابی به منافع ملی، دنبال می‌کند. لذا وظیفه‌ی سیاست خارجی در درجه‌ی اول، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است. در درجه‌ی دوم، تأمین نیازهای اقتصادی، تجاری و نظامی است. سومین وظیفه، تأمین پرستیژ بین‌المللی و در نهایت، ارتقای توانمندی یک کشور در بسیج نیروهاست.

به جهت درهم‌تنیدگی روابط خارجی در جهان معاصر، حوزه‌ی منافع کشورها وسیع‌تر گشته و نیازها و مزیت‌های گوناگون باعث می‌شود همه‌ی کشورها در تلاش برای برقراری رابطه‌ی سیاسی و اقتصادی سازنده‌ای با یکدیگر برآیند. روابط ایران با کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین نیز از این امر مستثنی نیست. البته توجه به آمریکای لاتین از منظر ارزش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز قابل پرداختن است؛ چه اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تحول شکل‌گرفته در عرصه‌ی سیاست خارجی، با الهام از مبانی ارزشی دین مبین اسلام، رویکرد جدید توجه به کشورهای اسلامی و مستضعفین و کشورهای جهان سوم را توصیه می‌کرد. آنچه در آمریکای لاتین به وقوع پیوست و افزایش تعاملات جمهوری اسلامی ایران با این منطقه، به شکل توأمان از هر دو منطق ارزش‌ها و منافع پیروی می‌کند؛ چرا که به قدرت رسیدن برخی از رژیم‌ها یا رؤسای جمهوری در کشورهای آمریکای لاتین، که نسبت به سیاست‌های آمریکا دارای رویکرد بدبینانه‌ای هستند، باعث ترغیب ایران و پذیرش دیدگاه‌هایش در منطقه می‌شود. از سوی دیگر اما حضور ایران در این منطقه بیش از آنکه ماهیت اجتماعی یا ایدئولوژیک پیدا کند، در حوزه‌ی روابط بین‌دولتی در جهت کسب منافع ملی و اهداف استراتژیک بوده است (متقی، ۱۳۸۸).

شاهد مثال این امر، تفاوت‌های عمیق فرهنگی، دینی و اجتماعی میان ایران اسلامی و حکومت‌هایی است که بر مبنای اصول سکولاریسم، سوسیالیسم، ناسیونالیسم و... در ونزوئلا، بولیوی و... وجود دارند. لذا بیش از اینکه هم‌گرایی فرهنگی و ارزش‌های مشترک بتواند روابط ایران با آمریکای لاتین را توضیح دهد، این منطق منافع ملی است که کمک می‌کند تا رفتار ایران در منطقه را

توضیح دهد (Farah، ۲۰۱۲: ۴۵).

اصولاً از دید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منطقه‌ی آمریکای لاتین دارای توانمندی‌های بالقوه و بالفعل بسیاری است که می‌تواند موجب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با ایران باشد. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران تا کنون با فعال کردن سیاست خود در این منطقه سعی کرده است در وهله‌ی اول از طریق توسعه و تحکیم روابط با این کشورها، ضمن تلاش برای تقویت جبهه‌ی مقاومت و گسترش محور جنوب-جنوب، به توسعه و بسط روابط اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای منطقه نیز مبادرت کند.

علاوه بر این، استعداد آمریکای لاتین در دگرگون ساختن نظام بین‌المللی، ایجاد جهانی چندقطبی و تحدید هژمونی آمریکا، کاملاً با اهداف ایران در این زمینه تطابق دارد و به هر دو طرف اجازه می‌دهد تا با هم‌گرایی در این زمینه، با قدرت بیشتری پیاده‌سازی اهداف فوق را دنبال نمایند (احمدی لفور کی، ۱۳۸۷). گسترش روابط با آمریکای لاتین به عنوان یکی از جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر، به دلایل راهبردی ذیل اتخاذ گردید: ۱. کاهش تهدیدات خارجی ایران با ایجاد اتحاد و ائتلاف‌های جدید بین‌المللی؛ ۲. ایجاد فرصت‌ها و ظرفیت‌های جدید در سیاست خارجی برای نیل به منافع ملی و ۳. گسترش عمق استراتژیک ایران (HajiYousefi، ۲۰۱۰: ۱۵).

در واقع ایران راهبردی دوسویه را در منطقه‌ی آمریکای لاتین پیگیری می‌کند؛ یکی اینکه در شرایط تحریم‌های بین‌المللی، به دلیل برنامه‌ی هسته‌ای و تلاش برای انزوای کشور، ایران به دنبال کسب حمایت‌های سیاسی و ایجاد اهرم فشار علیه ایالات متحده در آمریکای لاتین است. مورد دیگر به هم‌گرایی در جبهه‌های اقتصادی و دیپلماتیک بازمی‌گردد که محور این راهبرد بر روابط با برزیل و آرژانتین به عنوان قدرت‌های اقتصادی منطقه استوار است. روابطی که بر عکس ظاهر رابطه با ونزوئلا، تا حد زیادی عاری از دیپلماسی شخصی و نهادینه‌شده است (Farah، ۲۰۱۲: ۱۵).

از این منظر، جمهوری اسلامی ایران شبکه‌ی گسترده‌ی روابط دیپلماتیک، انرژی، اقتصادی‌بازرگانی (به عنوان ابزار اصلی جلب حمایت کشورها) و مالی (از جمله تأسیس بانک مشترک برای دور زدن تحریم‌ها) را با کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین، به ویژه اکوادور، ونزوئلا و بولیوی حفظ می‌کند و همکاری خود با آن‌ها را ارتقا می‌بخشد. از سوی دیگر، گسترش تعاملات با اقتصادهای نوظهور، مانند برزیل و آرژانتین، در ایجاد فرصت‌های اقتصادی، انتقال فناوری‌های هسته‌ای و نهایتاً حمایت این کشورها از برنامه‌ی هسته‌ای ایران، نقشی بسیار جدی را ایفا می‌کند. زیرساخت‌های ایجادشده توسط ایران در این کشورها در وقت نیاز می‌توانند به تهران کمک نمایند تا به زعم اندیشکده‌ی

۹۹ مبارزه با آمریکا، که شعار اصلی بسیاری از رهبران نوظهور آمریکای لاتین بود، فرصتی بود که هیچ کشوری به اندازه‌ی جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانست از آن بهره‌برداری کند. به ویژه اینکه در ایران نیز دولت اصول‌گرای دکتر احمدی‌نژاد بر سر کار آمد. پس از پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۵، جمهوری اسلامی ایران با عزمی راسخ تصمیم گرفت تا در میان کشورهای آمریکایی لاتین (در واقع همان حیطه خلوت آمریکا)، پایگاهی برای خود به دست آورد.

اورشلیم، علیه ایالات متحده‌ی آمریکا یا منافع غرب در آمریکای لاتین، در سناریوهای مختلف به کار گرفته شوند. اگر تأسیسات هسته‌ای ایران مورد حمله‌ی اسرائیل یا آمریکا قرار گیرد یا اگر حس انزوا و محاصره در محافل مختلف ایران تشدید گردد، مطمئناً تهران تلاش خواهد کرد تا شاید بحران دیگری را مشابه با مدل بحران موشکی کوبا علیه واشنگتن برنامه‌ریزی نماید (Segall, 2011). لذا ایران به دنبال راهبرد حرکت از کنار تحریم‌ها و برای ارتقای جایگاه جهانی خود، به سمت کشورهای آمریکای لاتین سوق پیدا کرد و این تمایل در زمان ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد در اوج خود قرار گرفت.

◀ ابعاد حضور ایران در منطقه‌ی آمریکای لاتین

الف) سیاسی دیپلماتیک: تمایل کشورهای آمریکای لاتین به ایجاد ساختارهای جدید منطقه‌ای، استمرار حمایت از سیستم چندقطبی جدید در نظام بین‌الملل از طریق فعال‌گرایی در سیاست خارجی، فرصت‌های متعددی را در اختیار ایران قرار داد تا در حیاط خلوت آمریکا، جای پای برای خود باز کند. در واقع نفس حضور ایران در منطقه‌ای دوردست به لحاظ جغرافیایی، که پیش از این تصور می‌رفت که در سایه‌ی آمریکا قرار دارد، وزن بین‌المللی و پرستیژ جهانی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان می‌آورد.

این میل جمهوری اسلامی ایران به توسعه‌ی روابط منطقه‌ای با آمریکای لاتین، در درجه‌ی اول به منظور اتخاذ مواضع مشترک در خصوص مسائل مهم بین‌المللی صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که استفاده از پتانسیل‌های سیاسی منطقه برای کسب حمایت در مجامع بین‌المللی و بهره‌برداری از قدرت مجموعه‌ای و انفرادی کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین برای حل مسائل بین‌المللی ایران، از جمله حقوق بشر و پرونده‌ی هسته‌ای، کاملاً در مسیر تحقق اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و در سطح دیگر، تقویت روابط سیاسی منطقه‌ای، به شکل متقابلی، به افزایش فرصت‌های اقتصادی و همکاری‌های تجاری نیز می‌انجامد. چه اینکه تعداد سفارت‌خانه‌های ایران در آمریکای لاتین، در مقایسه با سال ۲۰۰۵، تقریباً دوبرابر شده است (Johnson, 2012).

ژنرال داگلاس فریزر، رئیس ستاد فرماندهی آمریکا در منطقه‌ی آمریکای جنوبی، سندی را در خصوص فعالیت ایران در این منطقه به سنای آمریکا ارائه نمود که در آن تأکید گردیده بود جمهوری اسلامی ایران در راستای پشتیبانی از اهداف سیاسی خود، نظیر کاهش تأثیر تحریم‌های بین‌المللی مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای، همچنان به گسترش روابط منطقه‌ای ادامه می‌دهد و به نظر می‌رسد که روابط ایران با ونزوئلا بر پایه‌ی منافع مشترک استوار است: اجتناب از انزوای بین‌المللی، دسترسی به فناوری نظامی و نفتی و... (Segall, 2011).

در این میان، نقش برزیل بسیار برجسته است. برزیل از عوامل قدرت و نیز محیط پیرامونی مساعدتری برای مدیریت فرآیند قدرت‌نمایی منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است. در واقع آمریکای جنوبی برزیل‌محور، چالشی برای موقعیت آمریکا محسوب می‌شود و می‌تواند به افول جایگاه بین‌المللی این کشور مدد رساند (Sotero & Armijo, 2007: 34).

به عنوان مورد دیگر، می‌توان به توسعه‌ی روابط با آرژانتین اشاره نمود که البته مهم‌تر از آن،

شکست فضای ایران‌هراسی با توجه به پرونده‌ی آمیا بود. توافق ایران و آرژانتین جهت ایجاد مکانیسمی مشترک برای رسیدگی به موارد اختلافی میان دو کشور، باعث گردید رژیم صهیونیستی بازنده‌ی بزرگ پرونده‌ی آمیا لقب گیرد.

ب) فعالیت‌های دینی: در سرتاسر منطقه‌ی آمریکای لاتین حدود دو میلیون مسلمان زندگی می‌کنند که اکثریت آن‌ها سنی هستند، ولیکن اقلیتی از شیعیان نیز بین آن‌ها وجود دارند. نقاط مسلمان‌نشین با تأکید بر حضور شیعیان، پایگاه مناسبی برای حضور ایران است؛ هم از لحاظ پیشبرد اهداف انقلابی و هم از حیث گسترش حوزه‌ی نفوذ و اثرگذاری.

حضور ایران در میان جامعه‌ی مسلمانان آمریکای لاتین، با هدف صدور انقلاب اسلامی و اساساً معرفی و تبلیغ اسلام شیعی صورت می‌گیرد که نهادهایی نظیر سازمان جهانی اهل بیت و اشخاص بسیاری در فعالیت‌های گسترده‌ی اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مشارکت دارند (Segall, 2011). البته این حضور مذهبی ایران، در کنار ایجاد فرصت‌های فراوان و تثبیت جایگاه ایران در منطقه، منجر به یک رشته فعالیت‌های رسانه‌ای و سیاسی مبتنی بر ایران‌هراسی نیز شده است؛ چه اینکه فضای رسانه‌ای و اندیشکده‌های غربی مرتباً از صدور آموزه‌های اسلام تندروی شیعه به آمریکای لاتین، ابراز نگرانی می‌کنند و بر این نکته تأکید دارند که ایران با رویکردی تهاجمی در حال تشکیل گروه‌های تروریستی از نوکیشان مسلمان است تا از طریق بخش‌های ضعیف‌تر مرز جنوبی آمریکا، برای عملیات‌های تروریستی به داخل ایالات متحده نفوذ کنند (جهت مطالعه‌ی بیشتر، رک: Sullivan & Beittel, 2013).

اعلام تلاش تروریستی نافرجام در فرودگاه جان اف کندی نیویورک توسط نماینده‌ی مسلمان مجلس کشور گویان، به نام عبدالقدیر، در سال ۲۰۱۰، باعث گردید تا شانتاژهای رسانه‌ای گسترده‌ای درباره‌ی تلاش ایران و حزب‌الله برای آموزش تروریست‌های مسلمان تندرو، اعم از شیعه و سنی، در منطقه‌ی آمریکای جنوبی، به ویژه کشورهای دارای جمعیت مسلمان نظیر سورینام و گویان، صورت گیرد.

ج) فرهنگی و دیپلماسی عمومی: چهره‌ی عمومی ایران در تمام سال‌های پس از انقلاب اسلامی، همواره مورد تهاجم دشمنان و تبلیغات رسانه‌ای قرار داشته است. تصویر موجود از ایران در منطقه‌ی آمریکای لاتین بر اساس تبلیغات منفی دستگاه‌های خبری و اطلاعاتی غربی و عمدتاً آمریکا شکل گرفته بود و فاصله‌ی جغرافیایی زیاد و نبود روابط فرهنگی ایران با این کشورها، مزید بر علت بود.

در چنین فضایی و البته با توجه به زمینه‌ی اجتماعی و فرهنگی ضدآمریکایی و استقلال‌طلبی موجود در آمریکای لاتین، دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی تلاش گسترده‌ای را در جهت دیپلماسی عمومی با شعار ضرورت عادلانه شدن مناسبات بین‌المللی آغاز نمود. موفقیت نسبی ایران در منطقه‌ی آمریکای جنوبی، البته تا حدی به دلیل روی کار آمدن رؤسایی با گرایش چپ و ضدلیبرال‌دموکراسی نظیر هوگو چاوز، رئیس‌جمهور ونزوئلا، بود؛ لکن می‌توان با تأکید بیشتر بر دیپلماسی عمومی، تأثیرات مثبتی بر مردم آمریکای لاتین داشت.

این بُعد از روابط، با توجه به نقش خطیر افکار عمومی در شکل‌دهی و پشتیبانی از یک رابطه‌ی متوازن و پایدار سیاسی و دیپلماسی رسمی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. به واسطه‌ی همین مسئله، ایران با استفاده از حمایت رؤسای جمهور کشورهای هم‌چون برزیل و ونزوئلا،

۹۹ از دید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منطقه‌ای آمریکای لاتین دارای توانمندی‌های بالقوه و بالفعل بسیاری است که می‌تواند موجب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با ایران باشد. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران تا کنون با فعال کردن سیاست خود در این منطقه سعی کرده است از طریق توسعه و تحکیم روابط با این کشورها، ضمن تلاش برای تقویت جبهه‌ی مقاومت و گسترش محور جنوب-جنوب، به توسعه و بسط روابط اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای منطقه نیز مبادرت کند.

تا حدودی خود را در منطقه معرفی کرده و با استفاده از سرمایه‌گذاری بر قشر فقیر آمریکای جنوبی، عملاً تصویر مثبتی از خود در آمریکای جنوبی ترسیم کرده است. از دیگر موارد در جهت دیپلماسی عمومی ایران، استفاده از رسانه و شبکه‌ی خبری و برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران (هسپان تی‌وی) بوده که توانسته است به صورت نسبتاً خوبی کشور و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را به مردم آمریکای جنوبی معرفی کند (Johnson, ۲۰۱۲: ۱۱). شاید مهم‌ترین نکته‌ای که در این زمینه باید به آن توجه داشت این است که ایران تماس‌های فرهنگی گسترده‌ای در منطقه به وجود آورده است. ایجاد کرسی‌های زبان فارسی و ایران‌شناسی در دانشگاه‌های منطقه، برگزاری سمینارها و جشنواره‌های دوره‌ای، تأسیس شعبه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در شهر ریودوژانیرو، تأسیس رایزنی فرهنگی و انجمن دوستی ایران با کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین، از جمله فعالیت‌های فرهنگی صورت‌گرفته در روابط ایران با منطقه‌ی آمریکای لاتین است (خبرگزاری فارس، ۴ شهریور ۱۳۸۷).

ایلان برمن، معاون مؤسسه‌ی تحقیقاتی شورای سیاست‌گذاری خارجی آمریکا، با بزرگ‌نمایی فعالیت‌های فرهنگی ایران، می‌گوید: ایران این کار را با فعالیت‌های هدفه مرکز فرهنگی رسمی خود در منطقه و همچنین تماس با گروه‌های بومی منطقه انجام می‌دهد. اما این تماس‌ها و فعالیت‌های تبلیغی هم‌زمان با برنامه‌ی موسوم به «دعوت» از طریق شبکه‌ای از نمایندگان غیررسمی ایران، با اهداف تروریستی تکمیل می‌شود که در کشورهای شیلی، گویان و پاراگوئه واحدهایی محلی ایجاد و از این طریق با سران اسلام‌گرای محلی ارتباط برقرار کند (Berman, ۲۰۱۳).

د) اقتصادی: فراتر از ارتباط سیاسی و ایدئولوژیک، تلاش در بهبود تجارت و روابط اقتصادی با کشورهای آمریکای لاتین، از جمله اهداف ایران در منطقه‌ی آمریکای لاتین است. جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اهمیت روابط اقتصادی به تنظیم روابط سیاسی، راهبرد جدیدی را در توسعه‌ی روابط سیاسی بر پایه‌ی متنوع‌سازی مقاصد تجاری در منطقه‌ی آمریکای لاتین، متوازن ساختن روابط سیاسی و اقتصادی و افزایش صادرات به کشورهای منطقه، در دستور کار قرار داده است. این رویکرد جدید البته با اهداف ۱. استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری منطقه؛ ۲. جذب سرمایه و صدور خدمات فنی و مهندسی؛ ۳. توسعه‌ی بازارهای صادراتی جمهوری اسلامی ایران و ۴. متنوع‌سازی بازارهای وارداتی ایران، صورت می‌گیرد (خبرگزاری فارس، ۴ شهریور ۱۳۸۷).

به طور کلی، تراز تجاری میان ایران و آمریکای لاتین مثبت است که این امر نشان می‌دهد آمریکای لاتین نقش مهمی در تأمین نیازهای ایران دارد. هم‌زمان نیز ایران سهم بزرگی در تأمین نیازهای فنی و مهندسی کشورهای این منطقه دارد. تا سال ۲۰۰۵، حجم تجارت ایران و کشورهای منطقه، سالانه حدود ۱/۳ میلیارد دلار بود؛ اما در سال ۲۰۱۲، این رقم تقریباً دوبرابر شد و به ۳/۶

میلیارد دلار رسید (Berman, ۲۰۱۳).

اگرچه در توزیع مناسبات ایران با آمریکای لاتین، روابط ایران و ونزوئلا، الگویی برای روابط تهران با دیگر کشورهای این منطقه است، اما مناسبات نزدیک تهران و برازیلیا نیز بیش از هر زمان دیگری، ایران را به آمریکای لاتین پیوند داده است. رئیس‌جمهور وقت ایران با تأیید استفاده از فرصت همکاری‌های مشترک، بر این باور بود که حجم مبادلات تجاری ایران و برزیل تا سال ۲۰۱۵ به ۱۰ میلیارد دلار افزایش می‌یابد (مرشدی، ۱۳۹۰).

تا کنون سیزده بار جلسه‌ی کمیسیون‌های مشترک اقتصادی و تکنولوژیکی ایران و کوبا برگزار شده است. در مورد ونزوئلا نیز سفر رئیس‌جمهور وقت در سال ۲۰۰۴، یعنی خاتمی، برای شرکت در نشست سران عدم تعهد، سرآغاز روابط گسترده‌ی اقتصادی ایران با این کشور بود. در این سفر، قراردادهای ساخت یک کارخانه‌ی تولید تراکتور در سیوداد بولیوار، مونتاژ خودرو (سمند به نام Centauro به عنوان محصول مشترک ایران خودرو و شرکت ونزوئلایی ونینسا VENINSA) و نیز قرارداد تولید خودروی Turpial با همکاری سایپای ایران منعقد گردید (Farhi, ۲۰۱۲).

روابط ایران و ونزوئلا در سال‌های اخیر و به ویژه پس از روی کار آمدن دولت نهم در ایران، بسیار رو به رشد بوده است؛ به طوری که طی این مدت، دو کشور شش اجلاس کمیسیون مشترک همکاری را برگزار و بیش از ۲۰۰ سند همکاری در قالب توافقنامه و یادداشت تفاهم در زمینه‌های مختلف امضا کرده‌اند. به عنوان مثال، می‌توان به امضای توافقنامه در زمینه‌های مختلف کشاورزی (تولید و کاشت برنج)، شیلات و آبیان (کشت و پرورش میگو)، مسکن (احداث ۱۰ هزار واحد مسکونی توسط ایران در ونزوئلا)، راه و ترابری (احداث راه‌های جدید و راه‌اندازی خط پرواز مستقیم تهران-کاراکاس توسط شرکت هواپیمایی ماهان ایر)، انرژی (احداث نیروگاه برق)، محیط‌زیست (ایجاد شبکه‌ی سیستم تصفیه‌ی آب و فاضلاب)، تقویت ظرفیت‌های علمی و تکنولوژی (تولید واکسن برای مبارزه با بیماری‌ها)، مالی (تشکیل مجمع عمومی صندوق مالی دولتی) و... اشاره کرد. البته این‌ها صرفاً بخشی از پروژه‌های صنعتی و خدماتی ایران در ونزوئلا را تشکیل می‌دهند.

به گفته‌ی برخی اندیشکده‌های غربی، همکاری ایران و ونزوئلا شامل موارد نظامی نیز می‌گردد و طبق این ادعا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسئولیت ساخت پایگاه موشکی ایران در ونزوئلا و برخی فعالیت‌های هسته‌ای (که ایران وجود چنین پروژه‌هایی را تکذیب کرده است) را بر عهده دارد (Segall, ۲۰۱۱). سفر سال ۲۰۰۷ محمود احمدی‌نژاد به بولیوی، اولین سفر رئیس‌جمهوری ایران به آن کشور بود که در جریان آن، به منظور توسعه‌ی روابط، اجرای طرح‌هایی به ارزش یک میلیارد و یکصد میلیون دلار در لاپاز طی دوره‌ای پنج‌ساله به امضای مقامات دو کشور رسید (ایرنا، ۳ آبان ۱۳۸۹).

واقعیت آن است که اصل ضروری عدم تعهد در سیاست خارجی ایران، با روابط اقتصادی و سیاسی در آمریکای لاتین پیوندی جدی خورده است. تأسیس دفترهای تجاری در شهرهای مهم منطقه‌ی آمریکای لاتین، از جمله سائوپاولو-پاناما، تأسیس شرکت مشترک بازرگانی با تعدادی از کشورهای منطقه، تأسیس بانک مشترک و صندوق مشترک با ونزوئلا به منظور اجرای پروژه در سایر کشورها، عضویت در بانک جنوب، تأسیس شرکت مشترک برای اجرای پروژه‌های نفتی، پتروشیمی، حمل‌ونقل و... (خبرگزاری فارس، ۴ شهریور ۱۳۸۷) از جمله زیرساخت‌های اقتصادی و همکاری‌های اقتصادی است که در آمریکای لاتین توسط ایران پایه‌ریزی شده است.

البته در کنار موارد فوق، قراردادهای متعددی برای اجرای پروژه‌های توسعه‌ای در این کشورها و خدمات فنی و مهندسی را نیاستی فراموش نمود. در کنار این امر البته بسیاری از برنامه‌های اقتصادی ایران در منطقه‌ی آمریکای لاتین به سرانجام نرسیده است. اکثریت هفده میلیارد دلاری که در پروژه‌های مشترک بین ایران و ونزوئلا در طول دوازده سال گذشته منعقد شده به ثمر ننشسته است. کوبا، اکوادور و بولیوی نیز با آنکه روابط دیپلماتیک گرمی با ایران دارند، که علت آن نیز مخالفت این کشورها با آمریکا است، روابط تجاری قابل توجهی با ایران ندارند (Misztal، ۲۰۱۳). در این میان، می‌توان به تعهد سال ۲۰۰۸ ایران برای ساخت و توسعه‌ی یک بندر در سواحل نیکاراگوئه و یک پالایشگاه نفت در اکوادور اشاره نمود (Goodman، ۲۰۱۳).

◀ ایران، آمریکای لاتین و ایالات متحده

در بررسی روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین، یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که خود را نشان می‌دهد، مسئله‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا است. دیدیم که رویکرد سیاست خارجی ایران در روابط با آمریکای لاتین، منافع‌محور بوده و به دنبال کسب منافع اقتصادی و افزایش ضریب امنیت ملی است. لذا در حالی که این رویکرد، هیجانی و صرفاً برای ابراز دشمنی با آمریکا نیست، اما بالاخره آمریکا یکی از موضوعات اصلی، در تدوین سیاست خارجی آمریکای لاتینی ایران است. لذا بررسی تأثیر روابط ایران و آمریکای لاتین بر ایالات متحده‌ی آمریکا، از مباحث اساسی‌ای است که باید بدان پرداخت؛ چه اینکه ایالات متحده از سال ۱۸۲۳ و بر اساس دکترین مونروئه، آمریکای لاتین را حیاط خلوت خود تعریف کرده و همواره نسبت به حضور دشمنان و رقبای خود، نظیر اروپای قرن نوزدهم، اتحاد شوروی و اینک ایران، در این منطقه، به شدت موضع گرفته است.

اثرات رابطه‌ی ایران و آمریکای لاتین بر منافع و راهبردهای ایالات متحده را می‌توان در دو سطح تحلیلی مورد بررسی قرار داد. سطح تحلیل اول، به گستره و ساختار نظام بین‌الملل بازمی‌گردد

و نقش و هویتی که آمریکا و جمهوری اسلامی در این نظام برای خود تعریف کرده‌اند، در این سطح به شکل ایجابی و از منظر ارزش‌های سیاست خارجی بحث صورت می‌گیرد. سطح دوم تحلیل، توجه به منافع و تهدیدات حضور ایران در منطقه برای ایالات متحده را مد نظر قرار می‌دهد و به شکل سلبی بر منطق منافع، مقدرات و محذورات استوار است.

شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران یکی از نقاط عطف تاریخی محسوب می‌شود که رسالت تاریخی خود در فضای بین‌الملل را نقد فضای موجود نظام جهانی و تبیین نظام بین‌الملل مطلوب قرار داده است. عنصر ارزشی مقاومت البته در طول سال‌های انقلاب اسلامی، به جهت الگوی تهاجمی آمریکا در نظام جهانی و محدودیت‌های فراگیری که علیه

- ۹۹ ایران تماس‌های فرهنگی گسترده‌ای در آمریکای لاتین به وجود آورده است. ایجاد کرسی‌های زبان فارسی و ایران‌شناسی در دانشگاه‌های منطقه، برگزاری سمینارها و جشنواره‌های دوره‌ای، تأسیس شعبه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در شهر ریودوژانیرو، تأسیس رایزنی فرهنگی و انجمن دوستی ایران با کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین، از جمله فعالیت‌های فرهنگی صورت گرفته در روابط ایران با منطقه‌ی آمریکای لاتین است.**

جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است، منجر به افزایش اراده‌ی معطوف به مقاومت در سیاست خارجی ایران گردیده است. لذا گفتمان مقاومت عرصه‌ی جهانی را محل برخورد نظام سلطه با جبهه‌ی مقاومت می‌داند و ایران را موظف به اتخاذ رفتارهای هم‌گرا با جریانات مقاوم جهانی می‌کند. این در حالی است که نظام بین‌الملل سلطه، دوران نوینی از انتقال قدرت، کاهش توانمندی‌های ابرقدرت‌ها و خیزش قدرت‌های نوظهور را تجربه می‌کند. در هندسه‌ی ژئوپلیتیکی جدید، هژمونیک‌گرایی آمریکا با نشانه‌هایی از واکنش‌های متقابل فراگیر روبه‌رو گردیده است (متقی، ۱۳۹۱: منابع اینترنتی).

بازخیزی چین، هند و برزیل و بازگشت روسیه به صحنه‌ی بین‌المللی، سرمشق‌های ژئوپلیتیکی سیاست جهانی را متغیر ساخته و در سیاست‌گذاری بین‌المللی همه‌ی بازیگران نظم بین‌الملل، بازتاب یافته است. به باور این طیف، قدرت‌های نوظهور با ارزش‌ها و هنجارهای بنیادی غربی آمریکایی همسویی تام و تمامی ندارند و باید تا پیش از پذیرش این هنجارها، در حاشیه‌ی نظام حکمرانی جهانی باقی بمانند (سلیمانپور و مولایی، ۱۳۹۲: ۷ تا ۳۴).

در این رهگذر، گرایش به منطقه‌گرایی و اشاعه‌ی نهاده‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای از ویژگی‌های بارز دوره‌ی انتقالی حاکم بر روابط بین‌الملل محسوب می‌شود که می‌تواند فرصت‌های مناسبی در اختیار گفتمان مقاومت قرار دهد. لذا کشورهای منتقد و مقاوم در برابر نظام سلطه، تلاش دارند از این حالت گذار بین‌المللی همکاری‌های اقتصادی و تجاری، در جهت هم‌گرایی سیاسی، پیشبرد اهداف بین‌المللی و ارتقای موقعیت خود سود جویند. لذا در یک نگاه ایجابی، تلاش می‌شود که برای رهایی و برون‌رفت از نظام ناعادلانه‌ی موجود، راه‌حل‌های مبتنی بر مقاومت و تعامل جنوب-جنوب ارائه گردد. این راه‌حل مبتنی بر ائتلاف‌سازی و اتحادسازی با محوریت قدرت‌های نوظهور جهان سوم و در مقابل نظام سلطه است. بدین خاطر، توجه به کشورهای آمریکای لاتین، به ویژه برزیل و آرژانتین اهمیت می‌یابد؛ چرا که به شکل ساختاری، تداوم نظام سلطه و ابرقدرتی ایالات متحده را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.

از منظر منافع ملی و افزایش قدرت، جمهوری اسلامی ایران همواره در صدد رسمیت بخشیدن به قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی خود و قدرت تأثیرگذاری بر مسائل منطقه‌ای و موضوعات بین‌المللی بوده است. از همین منظر نیز تلاش می‌کند تا از طریق معادلات جدید قدرت، با ایالات متحده‌ی آمریکا مقابله نماید که یکی از این معادلات، حضور فعال در آمریکای لاتین بوده است؛ چرا که اولاً این منطقه در نزدیک‌ترین فاصله‌ی جغرافیایی به ایالات متحده قرار دارد و ثانیاً در گذشته‌ی نه چندان دور، شاهد حرکت‌ها و جنبش‌های مردمی در مبارزه با امپریالیسم غرب بوده است؛ به گونه‌ای که رهبران چپ‌گرا در آمریکای لاتین از محبوبیت بالایی برخوردار هستند (غلامی، ۱۳۹۱: منابع اینترنتی).

به همین دلیل، ایالات متحده نسبت به حضور ایران در آمریکای لاتین به شکل فزاینده‌ای احساس تهدید می‌کند. پایگاه اینترنتی ویکی‌لیکس در اوایل سال ۲۰۰۹ سندی را منتشر ساخت که در آن هیلاری کلینتون، وزیر وقت امور خارجه، از سفرای کاخ سفید در منطقه‌ی آمریکای لاتین، بررسی جدی ابعاد فعالیت‌های ایران در کشورهای منطقه را خواستار شده بود. این تلگرام خاطر نشان می‌ساخت که ایران در ۱۶ کشور آمریکای لاتین مراکز فرهنگی تأسیس نموده، در حالی که هم‌زمان به ۱۰ کشور دیگر سفیر فرستاده است؛ اما بیش از همه گسترش روابط نظامی ایران با

ونزوئلاست که برای آمریکا ایجاد خطری فوری و محسوس برای آمریکا کند. در این رابطه، کلینتون همچنین به آزادی عمل حزب‌الله در افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و انجام فعالیت‌های مورد نظر اشاره می‌کند. رابرت گیتس، وزیر دفاع وقت آمریکا، نیز تأکید می‌کند: از شنیدن خبر اقدامات خرابکارانه‌ی ایران در برخی از کشورهای آمریکای لاتین و به طور خاص در منطقه‌ی آمریکای جنوبی و آمریکای مرکزی به شدت آشفته شده و بیشتر نگران دخالت ایران در این منطقه است تا حضور روسیه (Segall, 2011).

هرچند باید تذکر داد که بخشی از نظرات مسئولان آمریکایی درباره‌ی حضور ایران آمیخته با اتهامات واهی و بزرگ‌نمایی جهت ایران‌هراسی است، اما اشاره به آنان نیز بیانگر اثرات و تهدیدات حضور ایران در این منطقه برای آمریکاست. راجر نوریگا، معاون وزیر امور خارجه‌ی آمریکا در امور نیم‌کره‌ی غربی، در برابر کمیته‌ی روابط خارجی سنای آمریکا، تهدیدات حضور ایران در آمریکای لاتین را این گونه جمع‌بندی می‌کند: ایران با همکاری ونزوئلا، در حال توطئه برای به راه انداختن یک مبارزه‌ی نامتقارن علیه امنیت ایالات متحده است. ایران با ایجاد زیرساخت‌های نظامی و انتقال سلاح‌های متعارف، قادر به حمله به ایالات متحده در منطقه است. همچنین شبکه‌های تروریستی وابسته به سپاه قدس ایران و حزب‌الله لبنان، عملیات جذب، آموزش تروریست‌ها و توانمندسازی آنان جهت انجام عملیات در ایالات متحده را بر عهده دارند که هزینه‌های آن از تجارت مواد مخدر توسط حزب‌الله لبنان (!) تأمین می‌گردد (Noriega, 2012).

تداوم سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران برای افزایش تعاملات با آمریکای لاتین، و ایجاد زمینه‌های ایران‌هراسی با توجه به اتهامات هدایت شبکه‌های تروریستی و پایگاه‌های نظامی ایران در ونزوئلا، باعث گردید تا نهایتاً باراک اوباما قانون مصوب کنگره به عنوان «قانون تدارک استراتژی همه‌جانبه برای مقابله با حضور خصمانه و فعالیت‌های رو به رشد ایران در نیم‌کره‌ی غربی و برای دیگر اهداف» را امضا نماید.

در این قانون، کنگره‌ی آمریکا به توافقات اقتصادی و امنیتی ایران با کشورهای منطقه اشاره می‌کند و هدف آن را ایجاد شبکه‌ای از روابط اقتصادی و دیپلماتیک به منظور کاهش شوک تحریم‌های بین‌المللی و مقابله با تلاش‌های غرب در محدود کردن جاه‌طلبی‌های ایران می‌داند. در این قانون همچنین تأکید زیادی بر نیروی قدس سپاه پاسداران صورت گرفته که این نیرو را به حمایت از فعالیت‌های نظامی و تروریستی حزب‌الله و پشتیبانی‌های مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی، لجستیکی و فنی از آن متهم نموده است. نهایتاً کنگره‌ی آمریکا پیشنهاد می‌کند وزارت خارجه‌ی آمریکا به طور مستمر و در عرض ۱۸۰ روز، کنگره را از اقدامات خصمانه‌ی ایران در نیم‌کره‌ی غربی مطلع سازد. این قانون همچنین از وزارت امنیت داخلی می‌خواهد مرزهای آمریکا با کانادا و مکزیک را برای مقابله با نفوذ نیروهای سپاه قدس، حزب‌الله و هر گروه دیگر مرتبط با ایران، مستحکم‌تر کند (مشرق‌نیوز، ۱۱ دی ۱۳۹۱).

◀ ظرفیت‌های آمریکای لاتین: ضرورت‌های تداوم سیاست خارجی ایران

دیدیم که جمهوری اسلامی ایران در صدد است تا بخشی از نفوذ سیاسی و اقتصادی آمریکا

در میان کشورهای آمریکای لاتین را با قدرت و نفوذ خود جایگزین نماید و از این طریق، با گسترش حوزه‌ی عمل دیپلماتیک و افزایش عمق استراتژیک خود، روند دستیابی به منافع ملی را تسهیل کند و فرصت‌های بین‌المللی برای خود ایجاد نماید. چه اینکه کشورهای منطقه دارای ظرفیت‌های فراوان سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک هستند که در شرایط بحران، می‌توانند فضایی حیاتی برای جمهوری اسلامی مهیا سازند و در مسیر عبور از تحریم‌ها و افزایش فشارها بر آمریکا، ظرفیت مناسبی را ایجاد کنند؛ چرا که روندهای آتی در آمریکای لاتین مؤید تداوم نقش‌آفرینی کشورهای این منطقه در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است که هم‌گرایی نسبی این کشورها با ایران می‌تواند این ظرفیت‌ها را در راستای منافع ملی ایران قرار دهد. چنان که در ادامه خواهیم دید، ظرفیت‌های استراتژیک کشورهای آمریکای لاتین، ضرورت اصلی برای تداوم رویکرد سیاست خارجی ایران به این منطقه است.

پتانسیل‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای: روابط ایران با کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین، چه در سطح دوجانبه و چه در سطح منطقه‌ای، از ظرفیت‌های بالایی برای توسعه برخوردار است؛ مناسباتی که شاید قادر است خود موجد روندهایی نوین در سطوح جهانی شود. کشورهای این منطقه در قالب پیمان‌های مرکوسور و آلبا، اتحادیه‌هایی سیاسی اقتصادی تشکیل داده‌اند که هدف از تأسیس آن‌ها دستیابی به یک‌پارچگی اقتصادی میان کشورهای امضاکننده‌ی پیمان، از طریق ایجاد جریان آزاد کالا و خدمات در میان اعضا و هماهنگی سیاست‌های اقتصادی کلان و منطقه‌ای است.

بنابراین توسعه‌ی روابط اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران با کشورهایی چون برزیل و آرژانتین، با توجه به نقش و وزن سیاسی این کشورها در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی، بسیار بااهمیت تلقی خواهد شد. اگر ایران با کشورهای آمریکای لاتین تشکیل بلوک تجاری دهد، صادرات کالاهای خود را افزایش داده است. این در حالی است که نقش و اهمیت توسعه‌ی صادرات در فرآیند توسعه‌ی اقتصادی نیز امری کاملاً پذیرفته‌شده است. مشارکت ایران در ادغام‌های اقتصادی و پیگیری سیاست‌های تجاری ترجیحی و آزادسازی روابط با کشورهای آمریکای لاتین، کانال بسیار مناسبی برای توسعه‌ی روابط تجاری است (لطفعلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۵).

جایگاه ژئوپلیتیک و فشار بر آمریکا: در حالی که جمهوری اسلامی ایران با فشارها و محدودیت‌هایی توسط کشورهای غربی و متحدین ایالات متحده مواجه شده است، گسترش تعاملات ایران با آمریکای لاتین می‌تواند بهترین گریز از خواست کشورهای غربی باشد؛ چه اینکه جایگاه ژئوپلیتیک این منطقه در نزدیکی جغرافیایی به ایالات متحده، بیش از هر چیز می‌تواند برای آمریکا به شکل عینی یا ذهنی ایجاد تهدید نماید.

مرزهای گسترده‌ی آبی و خاکی آمریکای لاتین با ایالات متحده، وجود منابع طبیعی گسترده، ناامنی‌ها و فعالیت گروه‌های تروریستی در کشورهای منطقه و... از جمله عواملی است که بر مبنای آن، حضور یک دشمن ایالات متحده در این منطقه، به سرعت ترجمان امنیتی و تهدیدآمیز برای حاکمان کاخ سفید پیدا می‌کند. این احساس تهدید فزاینده و فشار وارده بر آمریکا از حضور ایران در این مناطق استراتژیک، در گزارش‌های رسمی مقامات آمریکایی و گزارش‌های اندیشکده‌های راهبردی این کشور، به وضوح آشکار است. به عنوان مثال، گزارش ویژه‌ی مرکز تحقیقات کنگره‌ی آمریکا (CRS) در آوریل ۲۰۱۳ با موضوع «آمریکای لاتین: مسائل تروریسم»، نقش ایران را به گونه‌ای

برجسته می‌سازد که درباره‌ی وجود ارتباط بین ایران، تروریسم مواد مخدر و تروریسم مرتبط با اقدامات گروه‌های اسلام‌گرای تندرو، هشدار می‌دهد. این گزارش فساد حاکم و عملکرد ضعیف سرویس‌های امنیتی برخی از رژیم‌های آمریکای لاتین و مرزهای باز ایالات متحده در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای را بستری مناسب برای ایجاد تهدیدات جدی امنیتی به شمار می‌آورد (Sullivan & Beittel، ۲۰۱۳). همچنین برخی منابع آمریکایی ادعا می‌کنند که از سال ۲۰۰۵، ایران در ونزوئلا، اکوادور و بولیوی، به سرمایه‌گذاری و استخراج از معادن اورانیوم اقدام کرده است (Noriega، ۲۰۱۲).

فضای فرهنگی ضدامپریالیستی: ادبیات عدالت‌خواهانه و ضداستعماری از جمله زمینه‌های اجتماعی مردمی در منطقه‌ی آمریکای لاتین است که برگرفته از ایده‌های انقلابی سیمون بولیوار است. این فضای هنجاری سبب گردیده است تا منطقه‌ی آمریکای لاتین به حوزه‌ی قدرت‌نمایی کشورهای ضدآمریکایی بدل شود. در همین راستا، ایران با رویکردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، سعی داشته است تا با تحکیم روابط با کشورهای آمریکای لاتین، در کنار آن‌ها، جبهه‌ی جدیدی را در صحنه‌ی جهانی علیه آمریکا و نظام ناعادلانه‌ی بین‌المللی ایجاد کند.

ایران به دنبال آن است تا کشورهای آمریکای لاتین را برای اجرای دستورکار ضداسرائیلی با خود همراه سازد. جالب اینکه در واکنش به حمله‌ی اسرائیل به غزه در سال ۲۰۰۸، ونزوئلا و بولیوی سفیر این کشور را اخراج کردند. تشدید احساسات ضدیهودی نیز به حمله‌ی مردم به کنیسه‌ی قدیمی و اصلی شهر کاراکاس به نام «تيفرت یسرائیل» (Tiferet Yisrael) و تخریب آن منجر شد (Segall، ۲۰۱۱).

با توجه به اسناد ویکی‌لیکس، سفارت آمریکا در برزیل در ارزیابی وضعیت موجود جولای ۲۰۰۸، گزارش می‌دهد که در راستای سفرهای مکرر دولتمردان ایران به منطقه، تهران قصد دارد تا کشورهای نظیر برزیل را ترغیب نماید که به بلوک ضدآمریکایی اکوادور، بولیوی و ونزوئلا ملحق شوند. به علاوه، ایران در حال اجرای راهبرد دیپلماسی نرم است که افکار عمومی برزیل را با وجوه اشتراک خواست دو طرف برای نیل به برنامه‌ی انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، هدف قرار می‌دهد (Segall، ۲۰۱۱).

در کنار فضای فرهنگی ضدآمریکایی، توجه ویژه به مسلمانان منطقه می‌تواند از ابزارهای موفقیت در دیپلماسی فرهنگی ایران در آمریکای لاتین تلقی گردد. باید توجه داشت که کشورهای سورینام و گویان، علی‌رغم جمعیت اندک خود، دارای تعداد چشمگیری مسلمان هستند. حدود یک میلیون مسلمان نیز در آرژانتین و برزیل زندگی می‌کنند که اکثراً اهل سنت هستند. البته شیعیانی از فلسطین و لبنان در شهر کوریتیبیا (Curitiba) در جنوب برزیل، مناطق مرزی مجاور آرژانتین و پاراگوئه زندگی می‌کنند (Misztal، ۲۰۱۳).

کاهش تأثیرات تحریم‌های اقتصادی: یکی از ظرفیت‌های جدی کشورهای منطقه‌ی آمریکا برای جمهوری اسلامی، در شرایط بحرانی، نظیر تحریم‌های ظالمانه‌ی نظام سلطه، خود را نشان می‌دهد. لذا در برابر رویکردهای تحریمی، جمهوری اسلامی به اقدامات متقابل در این حوزه متوسل می‌شود؛ چه اینکه کشورهای آمریکای جنوبی ظرفیت‌های ضدتحریم را با توجه به رویکردهای نسبتاً مستقل خواهند داشت.

در شرایطی که تحریم‌ها علیه ایران در یک مسیر تدریجی فزاینده قرار گرفته است، گسترش تعاملات

اقتصادی ایران با آمریکای لاتین می‌تواند تا حدودی از فشار تحریم‌ها علیه ایران کم کند. جوزف هامیر، مدیر مؤسسه‌ی تحقیقاتی موسوم به مرکز جامعه‌ی آزاد امن، در نشست کمیته‌ی امنیت ملی مجلس نمایندگان آمریکا، جهت بررسی فعالیت‌های ایران در آمریکای لاتین می‌گوید: گروه آلبا نه تنها پوشش سیاسی برای فعالیت‌های نامتقارن ایران به وجود می‌آورد، بلکه در بسیاری از موارد، این گروه در کمک به ایران برای دور زدن تحریم‌ها و گسترش شبکه‌های تجاری استفاده می‌شود. به عنوان مثال، در ژانویه ۲۰۰۸، بانک موسوم به «B. I. D Banco Internacional de Desarrollo C. A» در ونزوئلا آغاز به کار کرد که بررسی‌های دقیق‌تر نشان داد که مالکیت کامل آن به بانک توسعه‌ی صادرات ایران تعلق دارد. از سوی دیگر نیز در سال ۲۰۰۸، بانک توسعه‌ی صادرات ایران پروتکل همکاری با بانک مرکزی اکوادور امضا کرد که طی آن، یک ساختار بانکی دوجانبه به وجود می‌آید که جمهوری اسلامی می‌تواند از آن برای دور زدن تحریم‌ها استفاده کند. در واقع با توجه به شکل‌گیری شبکه‌ی بانکی گروه آلبا با نام طرح سوکره (SUCRE)، این فرصت برای ایران ایجاد می‌شود تا با توافقنامه‌های بانکی فوق، در تمام کشورهای آمریکای لاتین به فعالیت مالی بپردازد (Humire، ۲۰۱۳). یا گفته می‌شود که سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی ایران در ونزوئلا به میزان ۳۰ میلیارد دلار، جهت عملیات پول‌شویی فرار از تحریم‌های مالی بین‌المللی است (Noriega، ۲۰۱۲). جایگاه کشورهای آمریکای جنوبی در اوپک: ایران، ونزوئلا و اکوادور، علاوه بر روابط گسترده در سال‌های اخیر، دارای یک رابطه‌ی طولانی سیاسی اقتصادی هستند که از تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده‌ی نفت اوپک نشئت می‌گیرد که این کشورها از تشکیل‌دهندگان اولیه‌ی آن بودند. هرچند رابطه‌ی نفتی و سیاست‌های نفتی این کشورها در سال‌های پس از انقلاب بسیار شکننده بود، اما با کسب قدرت توسط هوگو چاوز در ونزوئلا، سیاست‌های دو کشور در اوپک و پیرامون مسائلی چون سقف تولید و قیمت‌گذاری، بسیار به یکدیگر نزدیک گردید؛ به گونه‌ای که بارها و به ویژه در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ تهران و کاراکاس مخالفت خود را با تصمیمات یک‌جانبه‌ی عربستان سعودی برای افزایش صدور نفت خام و کاهش قیمت‌ها ابراز داشتند (Farhi، ۲۰۱۲).

۹۹ ایران تلاش می‌کند تا با معادلات جدید قدرت، با ایالات متحده‌ی آمریکا مقابله نماید که یکی از این معادلات، حضور فعال در آمریکای لاتین بوده است؛ چرا که اولاً این منطقه در نزدیک‌ترین فاصله‌ی جغرافیایی با ایالات متحده قرار دارد و ثانیاً در گذشته‌ی نه چندان دور، شاهد حرکت‌ها و جنبش‌های مردمی در مبارزه با امپریالیسم غرب بوده است؛ به گونه‌ای که رهبران چپ‌گرا در آمریکای لاتین از محبوبیت بالایی برخوردار هستند.

در واقع اوپک در حالی وظیفه‌ی هماهنگی و یک‌پارچه‌سازی سیاست‌های نفتی کشورهای عضو و تعیین بهترین راه برای تأمین منافع آن‌ها را بر عهده دارد که جناح‌بندی‌هایی در این سازمان وجود دارد و ایران همواره در مسائلی چون سقف تولید، تعیین دبیرکل و... با جناح عربستان سعودی رقابت داشته است. لذا در این میان، ونزوئلا و اکوادور از این ظرفیت برخوردارند که به عنوان حامیان و متحدان ایران به شمار روند. از سوی دیگر، می‌توان به قراردادهای نفت و انرژی ایران و ونزوئلا اشاره نمود. شرکت ملی نفت ونزوئلا، انعقاد قرارداد با چندین شرکت نفت و گاز تحریم‌شده‌ی ایران و شرکت‌های عمرانی این کشور را تسهیل می‌کند. رستم قاسمی، فرماندهی وقت قرارگاه خاتم‌الانبیای سپاه

پاسداران، در مه ۲۰۱۱ اعلام کرد که شرکت صدرا، وابسته به قرارگاه، هم‌اکنون در حال برنامه‌ریزی و ساخت چندین نفت‌کش با ظرفیت ۱۲۰ تن برای ونزوئلاست. این در حالی است که شرکت صدرا به شدت تحریم شده است (Segall, ۲۰۱۱). توافق‌نامه‌ی تکمیلی نیز بین شرکت خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران با شرکت صنایع دریایی وابسته به شرکت ملی نفت ونزوئلا منعقد شده است تا اینکه شرکت حمل‌ونقل نفتی دریایی مشترک ایجاد شود (Humire, ۲۰۱۳). در جمع‌بندی این بخش باید گفت سیاست ارتباط با کشورهای آمریکای لاتین در دوران ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد، پاسخی فعال به تلاش آمریکا برای منزوی کردن ایران از لحاظ سیاسی و اقتصادی بود که باعث گردید مدار سیاست خارجی ایران، به شعاعی فراتر از خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز گسترش یابد. لذا جهت‌گیری به سوی آمریکای لاتین، امری بدعت‌گذارانه یا تغییر جهت استراتژیک فاحش در سیاست خارجی ایران به شمار نمی‌رفت و صرفاً به عنوان یک جهت‌گیری سیاسی جدید برای کسب منافع ملی بود (Farhi, ۲۰۱۲). لذا این انتظار می‌رود که با توجه به ظرفیت‌های فوق‌الذکر، ارتباط با آمریکای لاتین و حتی ارتقا و بهینه‌سازی این ارتباط، در چارچوب سیاست خارجی دولت یازدهم نیز تداوم پیدا کند. در واقع سیاست ارتباط با آمریکای لاتین به نوعی می‌تواند متوازن‌کننده روابط با اروپا و آسیا باشد.

چالش‌های پیش روی گسترش روابط

حضور دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای نیم‌کره‌ی غربی، با توجه به ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی مطلوب، موجب نگرانی نظام سلطه گردیده است؛ به گونه‌ای که مقامات ایالات متحده‌ی آمریکا و رژیم اشغالگر اسرائیل بارها نسبت به توسعه‌ی روابط سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای آمریکای لاتین هشدار داده و موانعی را ایجاد نموده‌اند. لذا در برابر توسعه‌ی روابط ایران در این مناطق، چالش‌هایی نیز وجود دارد که بایستی آنان را در نظر آورد.

در این میان، تیتروار می‌توان به خطر بروز تغییرات سیاسی در کشورهای آمریکای لاتین به دلیل دموکراسی نوپا در این کشورها، تلاش‌های بسیار گسترده‌ی لابی صهیونیستی در این کشورها، دخالت‌های فزاینده‌ی آمریکا در منطقه و میزان موفقیت دستورکار آمریکایی‌ها برای ممانعت از نفوذ جمهوری اسلامی در این نیم‌کره‌ی غربی، چگونگی حل‌وفصل پرونده‌ی آمیا در روابط با آرژانتین، دوری جغرافیایی و رقبای قدرتمند در زمینه‌های اقتصادی و... اشاره نمود.

اما مهم‌ترین چالش در حوزه‌ی بین‌الملل را می‌توان در سیاست‌های آمریکا جست‌وجو نمود. اوباما چهار ماه پس از به قدرت رسیدن و در آوریل ۲۰۰۹، راهی آمریکای لاتین شد و در اجلاس سران کشورهای قاره‌ی آمریکا گفت که خواهان مناسباتی متوازن و مبتنی بر حقوق برابر و احترام متقابل با آمریکای لاتین است. این اظهارات اوباما نمادی از دیپلماسی تغییر روی در حوزه‌ی آمریکای لاتین بود؛ حوزه‌ای که پیش از وی و در دوران جورج بوش پسر، به خاطر توجه به خاورمیانه و عراق و افغانستان عملاً نادیده گرفته شده بود.

از سوی دیگر، آمریکا اطلاعات کاملی از فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در آمریکای جنوبی ندارد و تنها بر اساس اظهارات مبالغه‌آمیز، فعالیت‌های ایران در منطقه را رصد می‌کند.

پررنگ کردن تهدید ایران در آمریکای لاتین توسط ایالات متحده، دارای پیامدهای متفاوتی در آینده خواهد بود؛ اما به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین پیامدها این باشد که ایالات متحده در آینده، در اقناع کردن افکار عمومی آمریکا و نیز کشورهای غربی علیه ایران، موفق‌تر عمل کند. در این باره گفته می‌شود که تا زمان بحران موشکی کوبا، بیشتر مردم آمریکا درک و تصویری از واقعیت جنگ سرد و نیز تهدید شوروی برای ایالات متحده نداشتند؛ ولی بحران یادشده سبب شد که آن‌ها تهدید شوروی را احساس کنند (غلامی، ۱۳۹۱: منابع اینترنتی).

مهم‌ترین چالش داخلی نیز به سیاست‌های جمهوری اسلامی در آمریکای لاتین بازمی‌گردد و آن اینکه در مورد این روابط، عمدتاً فضایی هیجانی و بعضاً شعارزده وجود دارد که باعث می‌گردد نتوان از همه‌ی ظرفیت‌های موجود به خوبی در جهت اهداف ملی بهره گرفت. لذا در نقد سیاست‌های دولت گذشته درباره‌ی آمریکای لاتین باید گفت رفت‌وآمدهای دیپلماتیک باید منتج به روابط سیاسی، فرهنگی، تکنولوژیک شود که به شکلی نهادینه چشم‌اندازهای روشنی را ایجاد نماید.

جمع‌بندی

در این گزارش تلاش گردید تا ابعاد حضور ایران در کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین مورد بررسی قرار گیرد. دریافتیم که حضور گسترده‌ی ایران در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در کشورهای این منطقه، به ویژه اکوادور، بولیوی، ونزوئلا و... همچنین تعاملات با برزیل و آرژانتین، فرصت‌های بی‌شماری در جهت تأمین منافع ملی و افزایش عمق راهبردی ایران فراهم آورده است.

این روابط در عین افزایش حوزه‌ی نفوذ ایران، به ویژه در شرایط فشارهای آمریکا به ایران، زمینه‌های لازم جهت تقابل راهبردی را برای کشورمان فراهم می‌سازد؛ به گونه‌ای که به بیان بسیاری از اندیشکده‌های غربی، فعالیت ایران در آمریکای لاتین به منزله‌ی سکوی پرتابی برای سیاست‌های تهران در سایر صحنه‌های بین‌المللی خواهد بود.

این روابط این امکان را به ایران می‌دهد تا چندین هدف را پیگیری نماید: افزایش فرصت‌های اقتصادی، کسب حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک، خروج از فشارهای بین‌المللی و بی‌اثر کردن تحریم‌های مختلف. لذا با توجه به ظرفیت‌های گسترده‌ی کشورهای آمریکای لاتین در جهت برآورده‌سازی منافع ملی و افزایش قدرت و نقش بین‌المللی ایران، پیشنهاد می‌گردد نه تنها تداوم روابط، بلکه تعمیق و بهینه‌سازی روابط با کشورهای منطقه‌ی آمریکای لاتین در دستور کار سیاست خارجی دولت یازدهم قرار داشته باشد.

Farhi, Farideh (۲۰۱۲), "Tehran's Perspective on Iran-Latin American Relations", in *Iran in Latin America Threat or 'Axis of Annoyance*, Wilson Center Reports on the Americas, available in http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/Iran_in_LA.pdf

Goodman, Joshua (۲۰۱۳), "iran Influence in Latin America Waning", *bloomberg Jun ۲۰۱۳, ۲۷*, , available in <http://www.bloomberg.com/news/۲۶-۰۶-۲۰۱۳/iran-influence-in-latin-america-waning-u-s-report-says.html>

HajiYousefi, Amir M. (۲۰۱۰), "Iran's Foreign Policy during Ahmadinejad: From Confrontation to Accommodation", Annual Conference of the Canadian Political Science Association, www.cpsa-acsp.ca.

Humire, Joseph M. (۲۰۱۳), "Threat To The Homeland: Iran's Extending Influence In The Western Hemisphere", Testimony before the House of Representatives Homeland Security Committee, available in: <http://homeland.house.gov>

Johnson, Stephen (۲۰۱۲), "Iran's Influence in the Americas", Center for Strategic and International Studies. available in http://csis.org/files/publication/۱۲۰۲۲۳_Johnson_IranInfluence_ExecSumm_Web.pdf

Segall, Michael (۲۰۱۱), "Latin America: Iran's Sprinboard to America's Backyard", Jerusalem Center For Public Affairs, available in: <http://jcpa.org/article/latin-america-iran%۹۹%۸۰%۲s-Sprinboard-to-America%۹۹%۸۰%۲s-backyard/>

Sotero, Paulo and Armijo, Leslie Elliott (۲۰۰۷), "Brazil: To Be or Not to Be a BRIC?" *Asian Perspective*, Vol. ۳۱, No. ۴.

Sullivan, Mark P & June S. Beittel (۲۰۱۳), "Latin America: Terrorism Issues", Congressional Research Service, available in <https://www.fas.org/sgp/crs/terror/RS۲۱۰۴۹.pdf>

Misztal, Blaise (۲۰۱۳), "Threat To The Homeland: Iran's Extending Influence In The Western Hemisphere", Testimony before the House of Representatives Homeland Security Committee, available in: <http://homeland.house.gov>

Noriega, Roger F (۲۰۱۲), "Iran's influence and activity in Latin America", available in http://www.aei.org/files/۱۶/۰۲/۲۰۱۲/-noriega-sfrc-testimony-feb۱۵۲۸۱۵۹۳۴۴۴۳_۲۰۱۲-۱۶-.pdf

منابع

احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷)، «فرصت‌های ایرانی در آمریکای لاتین»، پگاه حوزه، شماره‌ی ۲۲۸.

سلیمانپور، هادی و عبادالله مولایی (۱۳۹۲)، «قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل»، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال پنجم، شماره‌ی اول.

خبرگزاری فارس، «دستاورد‌های دولت نهم در روابط خارجی با کشورهای آمریکای لاتین»، ۴ شهریور ۱۳۸۷.

خبرگزاری ایرنا، «ایران و آمریکای لاتین، فرصت‌ها و چالش‌ها»، ۳ آبان ۱۳۸۹.

ضیایی، محمدعلی (۱۳۸۵)، «تاریخ روابط دیپلماتیک ایران و کشورهای آمریکای لاتین»، روزنامه‌ی همشهری، ۱۵ دی ۱۳۸۵.

غلامی، طهمورث (۱۳۹۱)، ایران در آمریکای لاتین و واکنش ایالات متحده، پایگاه مرکز بین‌المللی مطالعات صلح: <http://peace-ipsc.org>

طفعلی پور، محمدرضا و سیده زهرا شاکری و فاطمه کبری بطا (۱۳۹۰)، «بررسی هم‌گرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای آمریکای لاتین؛ کاربرد مدل جاذبه»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سال اول، شماره‌ی سوم.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، «همکاری ایران و آمریکای لاتین فاقد تأثیرگذاری اجتماعی و ایدئولوژیکی است»، سایت دیپلماسی ایرانی.

متقی، ابراهیم (۱۳۹۱)، «شکل‌بندی هندسه‌ی ژئوپلیتیک جدید»، پایگاه حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، قابل رؤیت در: <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۲۰۸۸۲>

مرشدی، ارسلان (۱۳۹۰)، «ناکامی آمریکا در گسستن روابط ایران و برزیل»، روزنامه‌ی جام‌جم، ۲۲ خرداد ۱۳۹۰.

مهدوی، هوشنگ (۱۳۷۵)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مشرق‌نیوز، «نیروی قدس سپاه محور قانون جدید آمریکا»، متن قانون مقابله با نفوذ ایران در نیم‌کره‌ی غربی، قابل رؤیت در: http://www.mashreghnews.ir/files/fa/pdf.۲۴۴_۲۵۵۱۲۴/۱۱/۱۰/۱۳۹۱/news

Berman, Ilan (۲۰۱۳), "Threat To The Homeland: Iran's Extending Influence In The Western Hemisphere", Testimony before the House of Representatives Homeland Security Committee, available in: <http://homeland.house.gov>

Farah, Douglas (۲۰۱۲), "Iran in Latin America: An Overview", in *Iran in Latin America Threat or 'Axis of Annoyance*, Wilson Center Reports on the Americas, available in http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/Iran_in_LA.pdf